

رابطه هوش فرهنگی و هوش معنوی با خودکارآمدی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد امیدیه

مژگان اقبالی^{۱*}

زهرا افتخار صغادی^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تعیین رابطه ی هوش فرهنگی و هوش معنوی با خودکارآمدی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد امیدیه بود. نمونه آماری مشتمل بر ۳۱۷ نفر بود که با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. در این پژوهش از ۳ پرسش نامه هوش فرهنگی ارلی و آنگ، هوش معنوی ۲۴ سوالی کینگ و مقیاس سنجش خودکارآمدی عمومی شرر استفاده شد. پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود و تحلیل داده ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان و گام به گام صورت گرفت که سطح معناداری $\alpha = 0/05$ بود. نتایج حاصل نشان داد که رابطه هوش فرهنگی و هوش معنوی با خودکارآمدی در سطح $P > 0/0001$ معنی دار بود و هوش معنوی به طور مثبت و معنی داری خودکارآمدی دانشجویان را پیش بینی میکند. نتایج تحلیل رگرسیون مرحله ای نیز نشان داد، که متغیر هوش معنوی پیش بینی کننده ی خودکارآمدی دانشجویان می باشد.

واژه های کلیدی: هوش فرهنگی، هوش معنوی، خودکارآمدی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
۲. استادیار گروه روانشناسی عمومی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استادیار گروه روانشناسی عمومی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

مقدمه

پدیده پیچیدگی محیط‌های آموزشی در عصر کنونی، دانشگاه‌ها را بر آن داشته تا پاسخ‌های بسیار گوناگون و متفاوتی را در قبال پیچیدگی‌های محیطی و فضای رقابتی داشته باشند. یکی از عملی‌ترین شیوه‌ها، ترغیب دانشجویان به این امر است که با تمام وجود، خود را وقف آموزش کنند و از این طریق خود تمام عیار خویش را در تحصیل بیابند، که پیامد آن دانشجویانی خلاق و نوآور در پاسخگویی به محیط‌های متلاطم خواهد بود. با توجه به این که دانشگاه نهاد و سازمانی آموزشی می‌باشد نظرات محققان روانشناسی سازمان در این خصوص از اهمیت خاصی برخوردار است.

از جمله عوامل فردی که مورد توجه ویژه محققان روانشناسی سازمان برای انجام موفقیت آمیز کار قرار گرفته است، خودکارآمدی می‌باشد. گفته شده که بسیاری از رفتارهای انسان با ساز و کارهای نفوذ بر خود، برانگیخته و کنترل می‌شوند و در میان ساز و کارهای نفوذ بر خود، هیچکدام مهمتر و فراگیرتر از باور به خودکارآمدی شخصی نیستند (بندورا^۱ ۱۹۷۷). خودکارآمدی صرفاً داشتن یک مهارت نیست، بلکه اعتقادی است که مهارت می‌تواند تحت شرایط مختلفی به وجود آید. بندورا (۱۹۸۶) معتقد بود خودکارآمدی از انواع دیگر خود ارزیابی، شامل منبع کنترل، خود پنداره و عزت نفس، متفاوت است. برای مثال، نظریه منبع کنترل (راتر^۲، ۱۹۷۶؛ به نقل از پاجاره^۳، ۲۰۰۲) مطرح می‌کند انجام رفتار به درجه‌ای که افراد اعتقاد دارند اعمالشان اثرات مطلوبی به وجود خواهد آورد، بستگی دارد. فردی با منبع کنترل بیرونی نتایج عملکردش را در نتیجه نیروهای بیرون از خود می‌بیند، در حالی که فردی دیگر با منبع کنترل درونی نتایج عملکردش را در نتیجه اعمال خویش می‌بیند. بندورا (۱۹۸۶) معتقد بود الگوی راتر نقش نظام‌های اجتماعی را که در فراهم کردن دسترسی مناسب به نتایج مؤثر هستند، نادیده گرفته است. از طرفی، نظریه خودکارآمدی مطرح می‌کند کنترل تندی نتیجه تلاش‌های فرد نیست، بلکه نتیجه ارتباطات متقابل بین فرد، محیط و رفتار است.

از دید بندورا (۲۰۰۶) خودشناسی از طریق مهارت‌های شناختی، انگیزشی و عاطفی که عهده دار انتقال دانش و توانایی‌ها به رفتار ماهرانه هستند، فعال می‌شود. خودکارآمدی به داشتن مهارت یا مهارت‌ها مربوط نمی‌شود، بلکه داشتن باور به توانایی انجام کار در موقعیت‌های مختلف، اشاره دارد. همچنین، اینکه فرد معیارهای رفتارش را تا چه اندازه‌ای درست برآورده کرده است، احساس خودکارآمدی شخصی او را تعیین می‌کند. در نظام بندورا، فردی که خودکارآمدی کمی دارد احساس می‌کند که در اعمال کنترل بر رویدادهای زندگی در مانده و ناتوان است. او معتقد است هر تلاشی که می‌کند بیهوده است. هنگامی که با موانع رو به روی می‌شود اگر تلاش‌های اولیه او در برخورد با مشکلات بی نتیجه بوده باشد سریعاً قطع امید می‌کند.

1. Bandura

2. Ratter

3. Pajares

حضور در جوامع مختلف و برقراری ارتباط مفید و سازنده با موقعیت‌ها و تعاملات، نیازمند بهره‌مندی از هوش فرهنگی است. یکی از مهمترین موقعیت‌هایی که حضور در آنها اجتناب‌ناپذیر است، سازمان‌ها و گروه‌های کاری‌اند. همچنین، یکی از باورهای وابسته به شغل در افراد، خود‌کارآمدی جمعی در بین آنان است. از آنجایی که افراد، هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی عمل می‌کنند، خود‌کارآمدی می‌تواند هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی مطرح باشد. یکی از کامل‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین نظریه‌هایی که به این موضوع اشاره کرده، نظریه شناختی بندورا است. به عقیده بندورا، خود‌کارآمدی از مهمترین عوامل در رشد ارتباطات سالم اجتماعی است که زندگی فرد را لذت بخش کرده، او را قادر می‌سازد با فشارهای طولانی مدت مقابله کند. حس ایمنی از خود‌کارآمدی، باعث ایجاد ارتباطات اجتماعی مثبت و سالم می‌شود، در حالی که عدم خود‌کارآمدی فرد را به رفتارهای اجتنابی (مانند فرار)، پرخطر و طرد جامعه می‌کشاند و این خود باعث محرومیت فرد از تقویت‌کننده‌های مثبت اجتماعی می‌شود. تقویت بعد خود‌کارآمدی در یک جامعه باعث می‌شود که کارکنانی خلاق و نوآور در پاسخگویی به محیط‌های متلاطم به وجود آیند. همچنین در نظام بندورا، منظور از خود‌کارآمدی، احساس شایستگی، کفایت و قابلیت در کنار آمدن با زندگی است. برآورده نمودن و حفظ معیارهای عملکرد، خود‌کارآمدی را افزایش می‌دهد، ناکامی در برآوردن و حفظ آن معیارها، آن را کاهش می‌دهد (بندورا ۱۹۹۹).

مفهوم هوش فرهنگی برای نخستین بار توسط ارلی و انگ (۲۰۰۳) از محققین دانشکده کسب و کار لندن مطرح شد. ارلی و انگ اولین تئوری هوش فرهنگی را با انتشار کتاب "هوش فرهنگی، تعاملات فردی بین فرهنگی" در سال ۲۰۰۳ توسعه دادند. این دو، هوش فرهنگی را این‌گونه تعریف کردند: توانایی یک فرد در راستای سازگاری موفقیت‌آمیز با محیط‌های فرهنگی جدید که معمولاً با بافت فرهنگی خود فرد متفاوت است. ارلی و انگ فردی را دارای هوش فرهنگی بالا می‌دانند که بتواند به شیوه موثری در یک زمینه فرهنگی نوین و متفاوت با زمینه فرهنگی رشد یافته در آن خود را سازگار کند بدون آنکه هویت فرهنگی خود را کنار بگذارد. هوش فرهنگی قابلیت فردی برای درک، تفسیر و اقدام اثر بخش در موقعیت‌هایی است که از تنوع فرهنگی برخوردارند (پیترسون، ۲۰۰۴).

انگ و داین^۳ (۲۰۰۸) در مقاله خود با عنوان "مفهوم هوش فرهنگی تأکید می‌کنند که این مفهوم منعکس‌کننده توانمندی فردی برای عمل و مدیریت اثر بخش در مجموعه‌های به لحاظ فرهنگی متنوع تعریف می‌شود. تعریف این دو از هوش فرهنگی در پاسخ به این پرسش بوده است که در نظامی که فضای سازمانی و کاری آن به شدت تحت تأثیر جهانی شدن قرار گرفته است این ضرورت وجود دارد تا درک کنیم چرا برخی از افراد در موقعیت‌های به لحاظ فرهنگی

1. Earley & Ang
2. Peterson
3. Ang & Van Dyne

متنوع به گونه اثربخش تری عمل می‌کنند و در پاسخ به چنین پرسشی است که آنها بحث هوش فرهنگی را مطرح می‌کنند.

هوش معنوی نیز به عنوان یکی از مفاهیم جدید هوش، در بردارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین فردی و ... شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده های اطراف و دست یابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌نماید (غباری بناب و همکاران ۱۳۸۶). از طرفی دو مفهوم معنویت و خود کارآمدی از ارتباط قوی با یکدیگر برخوردارند، بطوریکه کیفیت زندگی به شمار آیند (آدگبولا^۱، ۲۰۰۷).

اما اصطلاح (هوش معنوی)، اولین بار در حدود یک دهه قبل توسط زوهر و مارشال^۲ (۲۰۰۰) مطرح گردید. به اعتقاد زوهر (۲۰۰۰)، هوش معنوی نوعی از هوش است که شخص به وسیله آن به عمیق ترین معانی، اهداف، و انگیزه های خود دست می‌یابد.

هوش وجودی گاردنر^۳ (۲۰۰۰) بسیار شبیه به هوش معنوی بوده و با آن هم پوشانی دارد، هر چند کاملاً با آن یکی نیست (هالما و استریزنک^۴، ۲۰۰۴).

برخی از مزیت ها و توسعه و کاربرد هوش معنوی در محیط کار عبارتست از توانایی سالم ماندن در هنگام مواجهه با بحران و هرج و مرج، نگرش نو دوستانه و عاری از خودپرستی در ارتباط با دیگران، داشتن افکاری روشن و چشم اندازی امید بخش در زندگی (میک^۵، ۲۰۰۶).

کارانزا و همکاران^۶ (۲۰۱۰) در تحقیقی نشان دادند هوش فرهنگی مدیران می‌تواند اثر مثبتی بر عملکرد شرکت داشته باشد. آن‌ها همچنین استدلال کردند که مدیران دارای هوش فرهنگی در موقعیتی قرار دارند که می‌توانند روابط کسب و کار مؤثرتری بنا کنند که این می‌تواند عملکرد سازمان را تقویت کند و به بهبود بهره‌وری در کل سازمان منجر شود.

رزاردان و همکاران^۷ (۲۰۱۰) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که افراد خارجی ای که در مالزی زندگی می‌کنند و جنبه های فراشناختی و رفتاری هوش فرهنگی آن‌ها قوی تر است، در عملکرد بهترند. آن‌ها همچنین دریافتند بین هوش فرهنگی و عملکرد شغلی ارتباط مثبتی وجود دارد.

انگ و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیق خود در مطالعه بر روی مجریان از ملیتهای مختلف و کارکنان خارجی اثرات و سنجش هوش فرهنگی بر قضاوت فرهنگی و تصمیمگیری، انطباق فرهنگی و عملکرد را مورد بررسی قرار دادند. آنها دریافتند دو مولفه رفتار و استراتژی بر روی عملکرد تأثیر دارند.

1. Adegbola
2. Zohr & Marshall
3. Gardner
4. Halama & Strizence
5. Mike
6. Carranza et al.
7. Raduan et al.

محمدی گزستانی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان رابطه‌ی هوش فرهنگی با خود کارآمدی تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس به این نتیجه رسیدند که هوش فرهنگی می‌تواند به عنوان یک عامل اثرگذار، نقش موثری در افزایش یا کاهش خود کارآمدی تحصیلی داشته باشد.

پورسلطانی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان ارتباط هوش معنوی و هوش فرهنگی با بهره‌وری کارکنان پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی به این نتیجه رسیدند که میزان رابطه هوش فرهنگی و بهره‌وری و میزان رابطه هوش معنوی و بهره‌وری نیز تأیید شده و در حد قابل قبولی قرار دارد.

یوسف زاده و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان "تأثیر آموزش مهارت‌های فراشناختی بر خود کارآمدی دانش‌آموزان دختر دوره‌ی متوسطه رشته‌ی انسانی ناحیه یک شهر همدان" به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های فراشناختی، میزان خود کارآمدی (تعمق بر هدف، تمرکز بر هدف، انگیزش درونی، مهارت حل مسئله و خود ارزشیابی) دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.

نتایج تحقیق مشبکی و تیزرو (۱۳۸۸) تحت عنوان «تأثیر هوش هیجانی و هوش فرهنگی بر موفقیت رهبران در کلاس جهانی» نشان داد بین هوش فرهنگی رهبران و موفقیت آن‌ها رابطه مثبت وجود دارد.

کاظمی (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان "ارتباط هوش فرهنگی و عملکرد کارکنان جامعه المصطفی‌العالمیه" به این نتیجه دست یافت که بین هوش فرهنگی و عملکرد، ابعاد هوش فرهنگی (فراشناختی، شناختی، انگیزشی، رفتاری) و عملکرد ارتباط وجود دارد.

در تحقیقی که توسط اسمیت^۱ در سال ۲۰۱۰ با عنوان رابطه بین خود کارآمدی و معنویت با رضایت شغلی و انگیزش با نقش متغیر میانجی رهبری تحول آفرین در بین سربازان آمریکایی انجام شد نشان داد که رابطه مثبتی بین معنویت و خود کارآمدی وجود دارد. شایان ذکر است که اسمیت از تحلیل همبستگی و مسیر جهت پردازش داده‌ها استفاده نموده است (معلمی ۱۳۸۷).

لینتون^۲ (۲۰۰۹) برای معرفی افراد دارای هوش معنوی بالا سعی در توصیف ویژگی‌های ذهنی به علاوه خصوصیات رفتاری آنها دارد. وی در یک پژوهش کیفی بر روی مدیران موفق خارجی و چینی شاغل در چین نشان داده است که آنها برای دستیابی به نتایج خارج العاده از هوش معنوی بهره می‌برند.

تحقیق آدگبلو (۲۰۰۷) با عنوان رابطه بین معنویت و خود کارآمدی با کیفیت زندگی، نشان داد که رابطه مثبتی بین معنویت و خود کارآمدی وجود دارد. در این تحقیق یکی از فرضیه‌ها به بررسی رابطه بین این دو متغیر تخصیص داده شده بود و از تحلیل رگرسیون برای سنجش این دو متغیر استفاده شد.

1. Smith
2. Lynton

گلچین و همکارش (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه بین هوش معنوی و خودکارآمدی کارکنان به این نتیجه رسیدند که میزان همبستگی بین دو متغیر هوش معنوی و خودکارآمدی برابر با ۸۰٪ می‌باشد و رابطه مثبتی بین هوش معنوی و خودکارآمدی وجود دارد. در بین ابعاد هوش معنوی، آگاهی متعالی با ۷۸٪ بیشترین همبستگی را با متغیر خودکارآمدی داشته است. علی‌مهدی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه هوش معنوی با خودکارآمدی عمومی در دانش‌آموزان به این نتیجه رسیدند که بین هوش معنوی و خودکارآمدی عمومی رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۰/۵ وجود داشت.

اسماعیل پورزنجانی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان خودکارآمدی و هوش معنوی مراقبین عضو خانواده سالمندان مبتلا به آلزایمر به این نتیجه رسیدند که رابطه معنی‌داری بین خودکارآمدی و هوش معنوی وجود دارد.

عزیزی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان بررسی ارتباط هوش معنوی و خودکارآمدی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی به این نتیجه رسیدند که میانگین نمرات هوش معنوی و خودکارآمدی اندکی از مقدار متوسط قابل انتظار بالاتر است و همچنین شاهد ارتباط معنی‌دار و قابل ملاحظه بین هوش معنوی و خودکارآمدی در دانشجویان مورد بررسی می‌باشند.

همچنین در ایران عسکری (۱۳۸۹) نشان داد که رابطه میان هوش هیجانی و اثر بخشی رهبری، هوش معنوی و اثر بخشی رهبری، و هوش معنوی و هوش هیجانی معنی‌دار و مثبت می‌باشد. همه این پژوهش‌ها دال بر آن هستند که هوش معنوی در موفقیت افراد نقش داشته و بنابراین اطلاق لفظ هوش بر آن صحیح است.

نتایج تحقیق معلمی و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد بین هوش معنوی و سلامت روان همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین هوش معنوی و افکار ناکارآمد و بین سلامت روان و افکار ناکارآمد نیز همبستگی منفی و معنی‌دار وجود دارد. تحلیل رگرسیون نشان داد هم هوش معنوی و هم افکار ناکارآمد می‌توانند قسمتی از واریانس سلامت روان را پیش‌بینی کنند. با توجه به مطالب گفته شده هدف این پژوهش تعیین رابطه بین هوش فرهنگی، هوش معنوی با خودکارآمدی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد امیدیه می‌باشد در این رابطه فرضیه‌های زیر تدوین و مورد آزمون قرار گرفتند.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: بین هوش فرهنگی با خودکارآمدی دانشجویان رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین هوش معنوی با خودکارآمدی دانشجویان رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: بین هوش فرهنگی و هوش معنوی با خودکارآمدی دانشجویان رابطه چندگانه وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد امیدیه بود که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ به تحصیل اشتغال داشتند. نمونه این تحقیق مشتمل بر ۳۱۷ نفر بر اساس جدول مورگان از جامعه مذکور می‌باشد که برای انتخاب آنها از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده گردید. عملیات آماری نیز روی ۳۱۷ پرسشنامه صورت گرفته است.

ابزار پژوهش

پرسشنامه هوش فرهنگی^۱

پرسشنامه هوش فرهنگی در سال (۲۰۰۳) توسط ارلی وانگ تدوین شده و دارای ۲۰ آیتم و چهار خرده‌مقیاس عامل راهبردی / فراشناختی، عامل دانشی / شناختی، عامل انگیزشی و عامل رفتاری می‌باشد و پاسخ‌های آن بر اساس مقیاس هفت‌گزینه‌ای لیکرت از ۱ برای کاملاً مخالفم تا ۷ کاملاً موافقم درجه‌بندی می‌شود. ابزری و همکاران در سال ۱۳۸۹ در تحقیقی که بر روی ۳۰۷ نفر از کارکنان شرکت فولاد مبارکه انجام دادند پایایی این پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲ تعیین کردند. احمدی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی که در نیمه نخست سال ۱۳۹۰ بر روی ۳۴۰ نفر از شهروندان ۱۵ سال به بالای مناطق چندگانه شهرستان سنندج انجام دادند اعتبار سازه این پرسشنامه را با مدل‌های کای اسکوتر نسبی، شاخص برازش تطبیقی و مقصد بررسی و به ترتیب ۳/۷۶۵، ۰/۹۱۵ و ۰/۰۸۵ اعلام کردند. این اعداد نشان می‌دهند که مدل‌های اندازه‌گیری تدوین شده به لحاظ اعتبار و قابلیت اعتماد مورد تایید می‌باشند. در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه هوش فرهنگی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۴ به دست آمد.

پرسشنامه هوش معنوی^۲

پرسشنامه هوش معنوی توسط کینگ^۳ (۲۰۰۸) ساخته شده و دارای ۲۴ آیتم و چهار خرده‌مقیاس تفکر انتقادی و وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و توسعه سطح هوشیاری می‌باشد می‌باشد و پاسخ‌های آن بر اساس مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت از ۱ برای کاملاً مخالفم تا ۵ کاملاً موافقم درجه‌بندی می‌شود. نمرات بالان نشان دهنده هوش معنوی بالا و یا وجود چنین ظرفیتی است. با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی^۴ در یک نمونه ۶۱۹ نفری از دانشجویان دانشگاه ترنت کانادا در سال ۲۰۰۷ آلفای کرونباخ ۰/۹۵ و پایایی از طریق تنصیف ۰/۸۴ بدست آمد. در یک

1. Cultural Intelligence Scale
2. Spiritual Intelligence Scale
3. King
4. Exploratory Factor Analysis

مطالعه دیگر با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی^۱ آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و آلفای استاندارد شده نیز ۰/۹۲ بدست آمد (کینگ، ۲۰۰۸). رقیب و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی که بین ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال ۸۸-۸۷ انجام دادند. پایایی این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ برآورد کردند. روایی صوری و محتوایی مقیاس توسط متخصصان روانشناسی مورد تایید قرار گرفت. برای برآورد روایی همگرایی از پرسشنامه‌ی تجربه‌ی معنوی غباری بناب به طور همزمان استفاده شده که ضرایب همبستگی این دو پرسشنامه ۰/۶۶ به دست آمده است. برای محاسبه‌ی روایی سازه مقیاس از تحلیل عامل اکتشافی و تحلیل عامل تاییدی مرتبه‌ی اول استفاده شد. یافته‌ها ساختار سه عاملی ۲۴ گویه مقیاس سنجش هوش معنوی را تایید نمودند (رقیب و همکاران، ۱۳۸۹). در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه هوش معنوی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۶ به دست آمد.

پرسشنامه خودکارآمدی شرر^۲

مقیاس خودکارآمدی شرر و همکاران در ۱۹۸۲ تدوین شده است. این مقیاس دارای ۲۳ ماده است، ۱۷ ماده آن اختصاص به خودکارآمدی عمومی دارد و ۶ ماده دیگر مربوط به تجربیات خودکارآمدی در موقعیت‌های اجتماعی است. در پژوهش حاضر از مقیاس ۱۷ ماده‌ای خودکارآمدی شرر استفاده خواهد شد. این پرسشنامه بر اساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرتاز ۱ برای کاملاً موافقم تا ۵ کاملاً مخالفم درجه بندی می‌شود. البته برای گویه‌های ۱، ۳، ۸، ۹، ۱۳ و ۱۵ نمره گذاری به طور معکوساز ۱ برای کاملاً مخالفم تا ۵ کاملاً موافقم درجه بندی می‌شود. شرر و همکاران در ۱۹۸۲ میزان آلفای کرونباخ را ۰/۸۶ گزارش کردند و برای سنجش اعتبار سازه مقیاس خودکارآمدی از همبستگی آن با مقیاس کنترل درونی-بیرونی راتر^۳، خرد مقیاس I-E گویین لا و بیٹی^۴، کراو^۵ در ۱۹۶۴، مقیاس بیگانگی از خود توسط باون^۶ در ۱۹۵۳ و مقیاس شایستگی بین فردی روزنبرگ^۷ در ۱۹۵۶ استفاده کردند (براتی، ۱۳۷۶). براساس بررسی‌های انجام شده بین نمرات خودکارآمدی و مقیاس کنترل درونی-بیرونی، همبستگی منفی متوسط، بین مقیاس درجه قابلیت اجتماعی و خودکارآمدی همبستگی مثبت متوسط، بین بیگانگی از خود و شایستگی اجتماعی با خودکارآمدی همبستگی مثبت متوسط بدست آمده است (براتی، ۱۳۷۶). براتی در ۱۳۷۶ برای بدست آوردن روایی سازه آزمون همبستگی آن را با مقیاس عزت نفس برابر با ۰/۶۱ گزارش داده است. وی پایایی آزمون خودکارآمدی را در دانش آموزان سال

1. Confirmatory Factor Analysis
2. Sherer's Self-Efficacy Scale
3. Ratter's Internal-External Control Scale
4. Guinlao&Beatti
5. Crowe
6. Bawn
7. Rosenberg's Self-Esteem

سوم بررسی کرد و آلفای کرونباخ $0/80$ را بدست آورد (نجفی و فولادچنگ، ۱۳۸۶). نجفی و فولادچنگ در تحقیقی که بین ۳۰۰ دانش آموز دختر و پسر پایه سوم دبیرستان انجام دادند پایایی این آزمون را از طریق آلفای کرونباخ برابر با $0/80$ بدست آوردند. در این پژوهش از خرده مقیاس های پرسشنامه خود کارآمدی شرر صرف نظر شده و رابطه هوش فرهنگی همراه با تمام خرده مقیاس هایش، هوش معنوی همراه با تمام خرده مقیاس هایش با خود کارآمدی مورد بررسی قرار گرفتند. پایایی این آزمون از طریق آلفای کرونباخ برابر با $0/85$ بدست آمد.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی این پژوهش شامل شاخص های آماری مانند میانگین، انحراف معیار و تعداد آزمودنی های نمونه برای کلیه متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمره آزمودنی ها در متغیرهای تحقیق

متغیر	شاخص های آماری آزمودنی ها	میانگین	انحراف معیار	تعداد
هوش فرهنگی	کل دانشجویان	۹۲/۹۹	۱۶/۲۲	۳۱۷
هوش معنوی	کل دانشجویان	۸۴/۶۳	۱۱/۴۷	۳۱۷
خود کارآمدی	کل دانشجویان	۶۱/۰۹	۱۰/۰۴	۳۱۷

همان طوری که در جدول ۱ مشاهده می شود، میانگین و انحراف معیار نمره های دانشجویان در هوش فرهنگی، به ترتیب $92/99$ و $16/22$ ، هوش معنوی، $84/63$ و $11/47$ ، خود کارآمدی $61/09$ و $10/04$ می باشد. ضرایب همبستگی ساده بین هوش فرهنگی و خود کارآمدی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- ضرایب همبستگی ساده بین هوش فرهنگی و خود کارآمدی دانشجویان

متغیر ملاک	شاخص آماری متغیر پیش بین	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (p)	تعداد نمونه (n)
	هوش فرهنگی	$0/20$	$0/0001$	
	مؤلفه راهبردی - فراشناختی	$0/24$	$0/0001$	
خود کارآمدی	مؤلفه دانشی - شناختی	$0/01$	$0/904$	۳۱۷
	مؤلفه انگیزشی	$0/27$	$0/0001$	
	مؤلفه رفتاری	$0/12$	$0/029$	

همان طوری که در جدول ۲ مشاهده می شود بین هوش فرهنگی و خود کارآمدی دانشجویان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ($r=0/20$ و $p=0/0001$). بنابراین فرضیه اول

تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر، با افزایش هوش فرهنگی دانشجویان، خودکارآمدی آنان افزایش یافته است. همچنین بین هوش فرهنگی در زمینه‌های راهبردی - فراشناختی و انگیزشی و رفتاری با خودکارآمدی دانشجویان رابطه مثبت معنی‌داری مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، هرچه هوش فرهنگی در زمینه‌های راهبردی - فراشناختی و انگیزشی و رفتاری دانشجویان افزایش می‌یابد به همان اندازه خودکارآمدی آنان افزایش پیدا می‌کند. ضرایب همبستگی ساده بین هوش معنوی و خودکارآمدی دانشجویان در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳ - ضرایب همبستگی ساده بین هوش معنوی و خودکارآمدی دانشجویان

متغیر ملاک	شاخص آماری متغیرپیش بین	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (p)	تعداد نمونه (n)
دانشجویان خودکارآمدی	هوش معنوی	۰/۳۲	۰/۰۰۰۱	۳۱۷
	مؤلفه تفکر وجودی	۰/۳۱	۰/۰۰۰۱	
	مؤلفه آگاهی متعالی	۰/۲۴	۰/۰۰۰۱	
	مؤلفه تولید معنای شخصی	۰/۳۷	۰/۰۰۰۱	
	مؤلفه بسط حالت هوشیاری	۰/۱۲	۰/۰۲۸	

همان طوری که در جدول ۳ نشان داده شده است بین هوش معنوی و خودکارآمدی دانشجویان رابطه مثبت معنی‌داری مشاهده می‌شود. ($P = 0/0001$, $r = 0/32$). بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌گردد. همچنین بین هوش معنوی در زمینه‌های تفکر وجودی، آگاهی متعالی، تولید معنای شخصی و بسط حالت هوشیاری با خودکارآمدی دانشجویان رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش هوش معنوی در زمینه‌های تفکر وجودی، آگاهی متعالی، تولید معنای شخصی و بسط حالت هوشیاری دانشجویان، خودکارآمدی آنان افزایش یافته است.

جدول ۴- ضرایب همبستگی چندگانه متغیرهای پیش بین (مؤلفه های هوش فرهنگی و هوش معنوی) با خودکارآمدی دانشجویان با روش ورود همزمان و مرحله ای

روش	متغیرهای پیش بین	R	R ^۲	F	p =	β	t	p =
ورودی	مؤلفه راهبردی - فراشناختی	۰/۴۴	۰/۱۹	۹/۴۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۹	۱/۵۲	۰/۱۲۸
	مؤلفه دانشی - شناختی					۰/۰۷	-۱/۳۵	۰/۱۷۷
	مؤلفه انگیزشی					۰/۱۷	۲/۸۲	۰/۰۰۵
	مؤلفه رفتاری					۰/۰۳	-۰/۵۸۱	۰/۵۶۲
	مؤلفه تفکر وجودی					۰/۱۴	۲/۰۸	۰/۰۳۸
	مؤلفه آگاهی متعالی					-۰/۰۱	-۰/۲۱۵	۰/۸۳۰
	مؤلفه تولید معنا					۰/۲۸	۴/۳۶	۰/۰۰۰۱
مرحله ای	مؤلفه بسط هوشیاری					-۰/۰۹	-۱/۵۳	۰/۱۲۷
	۱- تولید معنای شخصی	۰/۳۷	۰/۱۴	۵۰/۳۱	۰/۰۰۰۱	۰/۳۷	۷/۰۹	۰/۰۰۰۱
	۲- هوش فرهنگی در زمینه انگیزشی	۰/۴۱	۰/۱۷	۳۱/۷۸	۰/۰۰۰۱	۰/۳۲	۶/۰۴	۰/۰۰۰۱
	انگیزشی					۰/۱۸	۳/۴۰	۰/۰۰۰۱

همان طوری که در جدول ۴ ارائه شده است، رگرسیون پیش بینی خودکارآمدی دانشجویان از روی متغیرهای مؤلفه های هوش فرهنگی (راهبردی - فراشناختی، دانشی - شناختی، انگیزشی و رفتاری) و مؤلفه های هوش معنوی (تفکر وجودی، آگاهی متعالی، تولید معنای شخصی و بسط حالت هوشیاری) معنی دار می باشد ($p < ۰/۰۰۰۱$ و $F = ۹/۴۳$). متغیر هوش فرهنگی در زمینه انگیزشی با ضریب بتای ۰/۱۷، متغیر هوش معنوی در زمینه تفکر وجودی با ضریب بتای ۰/۱۴ و متغیر هوش معنوی در زمینه تولید معنای شخصی با ضریب بتای ۰/۲۸ می تواند به طور مثبت و معنی داری خودکارآمدی دانشجویان را پیش بینی کنند. همچنین، مقدار R^2 نشان می دهد ۱۹٪ از واریانس خودکارآمدی دانشجویان توسط متغیرهای یاد شده تبیین می شود. نتایج تحلیل رگرسیون مرحله ای نیز نشان داده است که متغیرهای هوش معنوی در زمینه تولید معنای شخصی و هوش فرهنگی در زمینه انگیزشی به ترتیب پیش بینی کننده خودکارآمدی دانشجویان می باشند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این تحقیق با پژوهش های طولابی و همکارش (۱۳۹۱)، اله وردی و همکاران (۱۳۸۹)، کارانزا و همکاران (۲۰۱۰)، رز رادان و همکاران (۲۰۱۰)، مشبکی و تیزرو (۱۳۸۸)، دراکر (به نقل از مقدس و احمدی، ۱۳۸۱)، همخوانی دارد و یافته های پژوهشی آنها را تایید می کند که بیانگر این بوده اند که استفاده موثر از هوش فرهنگی باعث افزایش

خود کارآمدی (عملکرد بهتر) می‌گردد.

در تبیین این رابطه‌ها می‌توان گفت که افراد، نتایج به دست آمده از موفقیتها و شکستها، تشویق‌های اجتماعی و پیشنهادها کلامی، مقایسه‌های اجتماعی و پیشرفت دیگران را تفسیر می‌کنند و این تفسیرها، اطلاعاتی را که مبنای قضاوت است فراهم می‌کنند که باعث تقویت و تضعیف کارآمدی شخصی می‌شود. در این بین و در محیط‌های آموزشی که دارای تنوع فرهنگی بیشتری اند، چگونگی تقویت و تضعیف خود کارآمدی در ارتباطات فرهنگی را با بستی در هوش و کارکردهای آن جست. در این صورت، با عنایت به پذیرش هوشهای چندگانه و وجود رویکردهای متفاوت در این باره جهت مهار تنوع فرهنگی و بهبود عملکرد افراد، هوش فرهنگی لازم و جوابگوی تعاملات افرادی به لحاظ فرهنگی متفاوت است. دانشجویان با مشاهده افراد متفاوت با نگرشها، اندیشه‌ها و رفتارهای متفاوت، می‌توانند خود کارآمدی‌شان را تقویت کرده، خودشان را برای انجام تکلیف برانگیزانند. یکی از مهمترین شیوه‌های پرورش و افزایش خود کارآمدی دانشجویان، شیوه اندیشه ورزی است. علاقه مندی بسیاری از محققان به حیطه‌های فراشناختی، نقش تلویحات مهم این حوزه در تعلیم و تربیت است. برای مثال نقش آن در سبک دانش فرآیندی و موقعیتی، افزایش توانایی خواندن و فهمیدن، لازمه موفقیت در حل مسئله، جهت دهی و هدایت راهبردها و فرآیندهای شناختی و که به کارگیری آنها باعث درگیری عملی، سازندگی و خود مسئولیت پذیری اجتماعی شده، افزایش اعتماد به نفس را به همراه می‌آورد. رفتارهای کلامی و غیر کلامی مناسب، کنشهای اجتماعی، مقایسه‌ها و پیامهای دریافتی فرد از محیط اجتماعی می‌تواند کارایی شخص را کاهش یا افزایش دهد. فرد، باورهای خود کارآمدی را از رفتارهای دیگران و از محیط اجتماعی دریافت می‌کند، ایجاد می‌کند و گسترش می‌دهد و به فرد کمک می‌شود تا تلاش بیشتری را به کار برد و پیشکار مورد نیاز را برای موفقیت تداوم بخشد. این رشد پیوسته، مهارتها و کارآمدی شخص را در پی دارد و در نتیجه، موجب بهبود عملکرد افراد در انجام تکالیف و پیشرفت تحصیلی می‌شود. لذا با توجه به اینکه خود کارآمدی نقش واسطه‌ای را برای عملکرد تحصیلی و پیشرفت تحصیلی بر عهده دارد، می‌توان گفت که باورهای فراشناختی و راهبردهای انگیزشی و پیامهای دریافتی شخص از محیط اجتماعی، ارتباط و تاثیر خود را بر خود کارآمدی در محیط آموزشی خواهند گذاشت.

نتایج این تحقیق در بعد هوش معنوی با یافته‌های گلچین و همکارش (۱۳۹۱)، امیر مهدی و همکارش (۱۳۹۱)، پورزنجان و همکاران (۱۳۹۱)، عزیزی و همکاران (۱۳۹۱)، معلمی (۱۳۸۷)، آد گبلو (۲۰۰۷) و اسمیت (۲۰۱۰) همخوانی دارد و یافته‌های پژوهشی آنها را تأیید می‌کند به بیان دیگر استفاده موثر از هوش معنوی باعث افزایش خود کارآمدی می‌گردد. خود کارآمدی نیز به عنوان یک از مولفه‌های مهم تنظیم رفتار، قضاوت‌های کارآمد و نا کارآمد را در مواجهه با وقایع به همراه خواهد داشت که هر یک از این نگرشها در جایگاه خود می‌توانند

در رویارویی با موانع نتیجه رفتار را پیش بینی کنند. در این راستا بندورا (۱۹۸۶) درک باورهای خودکارآمد را مولفه‌ای مهم در رشد و گسترش مهارت‌های مقابله‌ای در پاسخ به رویدادهای استرس‌زای زندگی معرفی می‌کند. باورهای مذهبی و معنویت اغلب به عنوان روش‌های مقابله‌ای سازنده با سلامت روان‌شناختی، جسمانی و کیفیت زندگی در ارتباط هستند. نتایج یافته‌های مطالعات پیشین نشان می‌دهد که افراد با باورهای معنوی بالا از رضایت زندگی بالا، سازگاری مناسب و در نهایت خودکارآمدی بالا برخوردارند (آدگ‌بلو، ۲۰۰۷). باورهای معنوی می‌توانند احساس آرامش را در افراد به همراه داشته باشند و با افزایش احساس کنترل و ارتقا احساس امنیت و تقویت اعتماد به نفس در جهت سازگاری و سلامت گام بردارند. دانشجویان به عنوان گروهی مهم در هر جامعه از مسئولیت مهمی در پیشرفت و رشد هر کشور برخوردارند که در این راستا درک تواناییها و باور به آن می‌تواند در سایه یک عنصر نیرومندی چون معنویت تحقق یابد لذا تسهیل در جهت هر چه بیشتر شناخت ابعاد معنوی در سنین نوجوانی و جوانی می‌تواند در رشد و گسترش هویتی دینی و معنوی گام بردارد و در بطن خود رشد و گسترش خود باوری را به همراه داشته باشد. از این رو بهره‌گیری از متون مذهبی و احادیث به عنوان منبعی غنی از ارزشهای معنوی در کنار سایر مواد درسی و آموزشی از دوره ابتدایی در مدارس می‌تواند موجبات رشد و تعالی را به همراه داشته باشد (علی مهدی و همکاران، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه پژوهشگران در هر زمینه‌ای در جستجوی تشخیص و شناسایی مهمترین عوامل هستند لذا در زمینه‌ی خودکارآمدی نیز، علاوه بر متغیرهای مذکور در پژوهش حاضر به بررسی رابطه‌ی متغیرهای دیگر همچون انواع هوش و راهبردهای مطالعه با خودکارآمدی پرداخته شود. پژوهش حاضر در میان دانشجویان دانشگاه آزاد امیدیه انجام گرفت لذا به منظور بررسی جامع‌تر مسائل خودکارآمدی، لازم است در میان دیگر اقشار جامعه همچون کارمندان ادارات، مدارس، پرسنل بیمارستان‌ها، زنان خانه‌دار و مردان دارای مشاغل آزاد، تحقیقاتی در این زمینه صورت گیرد.

منابع

- ابزری، مهدی، اعتباریان، اکبر و خانی، اعظم (۱۳۸۹). تأثیر هوش فرهنگی بر اثربخشی گروهی (مورد مطالعه: شرکت فولاد مبارکه اصفهان)، پژوهش نامه مدیریت تحول، شماره ۴، نیمه دوم.
- احمدی، یعقوب و قاسمی، وحید (۱۳۹۱). اثر همدلی فرهنگی، ابتکار اجتماعی و قوم‌گرایی بر هوش فرهنگی، راهبرد فرهنگ، شماره بیستم، زمستان.
- اسماعیل پور زنجانی، سیمین، مشعوف، سهیلا، صفری، زهرا و عباسی، محمود (۱۳۹۱). ارتباط خودکارآمدی و هوش معنوی مراقبین عضو خانه سالمندان مبتلا به آلزایمر، فصلنامه فقه پزشکی، (۱۱) ۴.
- اله وردی، زهرا، انصاری، محمد اسماعیل، زارع، سید ابراهیم (۱۳۸۹). هوش فرهنگی راهبردی در

- راستای چالش جهانی شدن سازمان‌های هزاره سوم. همایش ملی چالش‌های مدیریت و رهبری در سازمان‌های ایرانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان.
- امینی، نرجس، زمانی، بیبی عشرت و عابدینی، یاسمین (۱۳۸۹). سبک‌های یادگیری دانشجویان پزشکی، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، (۲) ۱۰، ۱۴۱-۱۴۷.
- براتی، سیامک (۱۳۷۶). بررسی رابطه ساده و چندگانه متغیرهای عزت نفس با عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان سال سوم نظام جدید متوسطه شهرستان اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- پورسلطانی، حسین، میرزائی، فهیمه و زارعیان، حسین (۱۳۹۲). ارتباط هوش مصنوعی و هوش فرهنگی با بهره‌وری کارکنان پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، مطالعات مدیریت ورزشی، ۲۰، ۱۵-۳۶.
- رقیب، مانده سادات، سیادت، سید علی، حکیمی‌نیا، بهزاد و احمدی، سید جعفر (۱۳۸۹). اعتبار یابی هوش معنوی کینگ (۲۴-SISRI) در دانشجویان دانشگاه اصفهان، مجله دست آوردهای روانشناختی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره چهارم، سال ۳-۱۷، بهار و تابستان، شماره ۱، ۱۴۱-۱۶۴.
- طولابی، زینب و کریمی، شکوفه (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی بین هوش فرهنگی و خودکارآمدی اجتماعی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اسلام). فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۴، (۳) ۲.
- عزیزی، سکینه، حسن دوست، زهرا، محمد پرست، مزده، یوسفی، حمیده، شاکری، اقدس و اکبری، آرش (۱۳۹۱). بررسی ارتباط هوش معنوی و خودکارآمدی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، هشتمین همایش دانشجویی دانشگاه‌های علوم پزشکی شرق کشور، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، مشهد، ایران.
- عسکری، ف. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط و سهم هوش هیجانی و هوش معنوی در رهبری اثربخش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بخش علوم تربیتی گرایش مدیریت آموزشی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.
- علی مهدی، منصور، فهیمی، صمد و شاهواری، زهرا (۱۳۹۱). بررسی رابطه هوش معنوی با خودکارآمدی عمومی در دانش‌آموزان، دومین همایش ملی روانشناسی و دین، تهران، ایران.
- غباری بناب، باقر، سلیمی، محمد، سلیمانی، لیلا و نوری، ثنا (۱۳۸۶). هوش معنوی، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۲۵-۱۴۷.
- کاظمی، معصومه و همکاران (۱۳۸۷). بررسی ارتباط هوش فرهنگی و عملکرد کارکنان جامعه المصطفی‌العامیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، مجتمع آموزش عالی قم، قم، ایران.
- گلچین، مجتبی و سنجر، احمد رضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی بین هوش معنوی و خودکارآمدی کارکنان (مطالعه‌ی موردی: سازمان آموزش و پرورش استان گلستان)، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، ۳، ۶۶-۵۴.

محمدی گزستانی، هایده، امامی، سیدصاحب و فانی، حجت الله (۱۳۹۲). رابطه هوش مصنوعی با خود کارآمدی تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، فرهنگ در دانشگاه آزاد اسلامی ۶، (۱) ۳.

مشبکی، اصغر، تیزرو، علی (۱۳۸۸). تاثیر هوش هیجانی و هوش فرهنگی بر موفقیت رهبران در کلاس جهانی. نشریه پژوهش های مدیریت، سال دوم، شماره ۳.

معلمی، صدیقه (۱۳۸۷). رابطه ساده و چندگانه سلامت روان، هوش معنوی و افکار ناکارآمد در دانشجویان، پایان نامه کارشناسی ارشد، بخش روانشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.

معلمی، صدیقه، بخشانی، نور محمد و رقیبی، مهوش (۱۳۸۹). بررسی رابطه سلامت روان، هوش معنوی و افکار ناکارآمد در دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان. مجله اصول بهداشت روانی، (۱۲) ۱۲.

مقدس، علی اصغر، احمدی، خدیجه (۱۳۸۱). بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر بهره وری کادر اداری سازمان های دولتی در شیراز. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۱۹. شماره اول.

نجفی، محمود و فولاد چنگ، محبوبه (۱۳۸۶). رابطه خود کارآمدی و سلامت روان در دانش آموزان دبیرستانی، دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، سال چهاردهم، دوره جدید شماره ۲۲، ۸۲-۶۹.

یوسف زاده، محمدرضا، یعقوبی، ابوالقاسم و رشیدی، معصومه (۱۳۹۱). تاثیر آموزش مهارت های فراشناختی بر خود کارآمدی دانش آموزان دختر دوره متوسطه، مجله روانشناسی مدرسه، ۳، ۱۱۸-۱۳۳.

Adegbola, M. A. (2007). the relationship among spirituality self-efficacy and quality of life in adults white siclle cell disease. The University of Texas at Arlington. 43-44.

Ang, S. and et al. (2007). Cultural intelligence : Its measurement and effects on cultural judgment and decision making, cultural adaption and task performance. Management and Organization Review , 3, P.335-371.

Ang , S. & L. VanDyne (2008). ConceptulizationOf Cultural Intelligence, In Soon Ang and Line VanDyne (Eds), Handbook of cultural intelligence: theoty, measurement and application. New York, M.E. Sharpe. Inc.

Bandura, A. (1986). Social foundations of thought and action: A social cognitive theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

Bandura, A. (1999). Social Cognitive Analysis of Substance Abuse: An Argentic Perspective, J psychol. Sci., 3(10), P.214-217.

Bandura, A. (2006). Guide to the construction of self- efficacy scales. In: Self- efficacy belief of adolescents Eds: pajares, F. and Urdan, T. Greenwich, CT(ed.), Information Age Publishing, 5,307-337.

Bandura, A. (1977). Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavior change. Psychological Review, 84 (2), 191-215.

- Carranza, de la Garza, Teresa, Maria; Egri, Carolyn P. (2010). Managerial Cultural Intelligence and Small Business in Canada, *Management Review*, 21.3.
- Earley, P.C. and Ang, S. (2003). *Cultural intelligence: Individual interactions across cultures*. Palo Alto, CA: Stanford University press.
- Gardner, H. (2000). A case against spiritual intelligence. *The international Journal for the psychology of religion*, 10 (1), 27-340.
- Halama, P. and Strizenec, M. (2004). Spiritual, existential or both? Theoretical considerations on the nature of higher intelligence, *Studia Psychologica*, 43 (3), 239-253.
- King, D.B. (2008). *Rethinking claims of spiritual intelligence: a definition, model and measure*, Ontario: Trent University.
- Lynton, N. (2009). Spiritual intelligence and leadership in the china laboratory, *Journal of International Business Ethics*, 2 (1), 112-121
- Mike, G. (2006). Application of spiritual intelligence in the work place, *Emerald Group Publishing Limited*, 14 (5), 3-5.
- Pajares, F. (2002). Self-efficacy beliefs in academic settings, *Review of Educational Research*, 66 (4), 543-578.
- Peterson, B. (2004). *Cultural Intelligence: A Guide to working with people from other cultures*, Boston, MA: Intercultural Press.
- RaduanChe, R; Subramaniam Sri, R; Jegak, U; Kumar, Naresh. (2010). Expatriate Performance in International Assignments: The Role Of Cultural Intelligence as Dynamic Intercultural Competency, *International Journal Of Business And Management*; 5.8.76-85.
- Shrer, M., Maddux. J. E., Mercandate, B., Prentice-Dunn, S., Jacobs, B. and Rogers, R.W. (1982). The Self efficacy scale: Construction and Validation, *Psychological Reports*, 51, 663-671.
- Smith, J. P. (2010). *The Effects of Self-efficacy and Spirituality on the Job Satisfaction and Motivation to Lead Among Redeploying Soldiers as Moderated by Transformation Leadership*, thesis for the degree of doctor, University School of Global Leadership & Entrepreneurship UMI No. 34477893.
- Zohr, D. and Marshall, I. (2000). *SQ: Connecting with our spiritual intelligence*, New York: Bloomsbury.